الباب الثامن من الواحد التاسع فی حرمة التریاق و المسکرات و الدواء مطلقا.

حضرت باب

اصلی فارسی



## **الباب الثامن من الواحد التاسع** فی حرمة التریاق و المسکرات و الدواء مطلقا.

ملخص این باب آنکه کل شئون دون حب از دون حق بوده و هست و کل شئون حب از حق بوده وهست و نهی شده از مسکرات و آنچه حکم دواء بر او شود مطلقا تا آنکه مطهر کنی خود را از هر شیئ که لدون الله بر او ذکر شود و بدل نمائی درمواقع ضرورت بالاء لطیفه و نعماء طیبه که شئون شجرۀ محبت بوده و هست

و حکم آن در کلی مثل جزئی است مثل آنکه احتراز از یک نفس دون مؤمن مثل کلی او است ولی خداوند عالم عز و جل در هر حال بشأنی تجلی فرموده که کل وجود او را ساجدند و کل بحب او راغب و بطاعت او صاعد و هیچ ذرۀ نه مگر آنکه بکنه کینونیت عابد است او را و ناطق است بلسان خود ولی در این ظهور هر شیئی که از شئون شجرۀ محبت نیست محبوب نبوده و نیست و هر شیئی که بوده محبوب بوده وهست

و در ظهور بعضی صنایع که لازم دارند اهل آن بعضی از این اشیاء را اذن داده شده و این همان قدری است که در نزد هر ظهوری اذن داده شده اهل آنرا که با دون مظاهر حق مدارا نموده لعل ثمری از وجود ایشان اخذ شود بایمان بحق زیرا که امکان درهر نفسی هست اگر خود بنفسها محتجب نشود

و لتستعیذن عما لا یحبه الله بالله ربکم الرحمن ان انتم تحبون ان تفلحون.

